

جلسه ششم سرکار خانم ریحانی

بسم الله الرحمن الرحيم انه هو خير ناصر و معين.

پیرو مباحث گذشته که عرض کردم در مورد بحث هویت جنسی صحبت می کردیم. به صورت خاص توضیحاتی دادیم. در رشد هویت جنسی گفتیم بخشی از فرآیند عمومی رشد جنسی است که هم اساس زیستی دارد و هم چگونگی ارتباط کودک با والدین به خصوص با والد هم جنس خودش و همانندسازی و الگوبرداری اش و شکل دادن به الگوهای رفتاری اش و ارتباط با جنس مخالف بستگی دارد. بخش عمده اش در سال های کودکی تا قبل از بلوغ شکل می گیرد.

هفت سال اول دوره کلیدی فرزندان است که تقریباً شالوده یک انسان در آن ۷ سال اول ریخته می شود. مثل اینکه شما می خواهید یک کیک را درست کنید، مقدار مشخص آرد، شیر، تخم مرغ لازم دارید. ۷ سال اول است که این مواد برای شکل گیری شخصیت یک فرد جمع می شود. ۷ سال دوم زمانی هست که شما دارید این ها را باهم مخلوط می کنید به اندازه خاص خودش باشد که حالا پرورش پیدا می کند یعنی خیلی فرصت ها را ما در ۷ سال اول از دست دادیم و چیزهای دیگر جایگزین شده ۷۰٪ شخصیت کودک در ۷ سال اول، ۲۰٪ در ۷ سال دوم و ۱۰٪ در هفت سال سوم شکل می گیرد. ۷ سال دوم، ۷ سال ترمیم است. در ۷ سال اول اتفاقاتی که افتاده در ۷ سال دوم ترمیم می شود و ۷ سال سوم شخصیت تثبیت می شود. حالا راجع به این ها بحث می کنیم.

در بحث هویت که گفتیم ابعاد مختلفی دارد فعلاً روی بحث هویت جنسی تمرکز کردیم. گفتیم هویت جنسی یک بحث دو سو است. یک سوی آن به خود انسان برمی گردد و فرد که می تواند کودک یا نوجوان باشد یا حتی بزرگسال. یک سوی دیگر آن برمی گردد به بازخوردی که محیط نسبت به فرد دارد. یعنی واگویه هایی که محیط در رابطه با شخص دارد که چقدر محیط پذیرای این فرد با این جنسیت، با این تناسب اندام، با این رنگ پوست، با این میزان IQ و EQ که نسبت به محیط دارد. هر چقدر این پذیرش قوی تر باشد آن هویت در فرد مقابل ما بهتر شکل خواهد گرفت. اگر این هویت متزلزل باشد اگر این بازخورد یا واگویه ای که دارد از محیط به شخص انعکاس پیدا می کند اگر مشروط باشد، مثلاً من تو را دوست دارم به این شرط، ما داریم محبت را به محبت مشروط منوط می کنیم. این ها چیزهایی است که خیلی ریز است ولی دقیقاً مثل ترک های ریزی می ماند که ما خیلی این را نمی بینیم. شما ببینید فردی که مثلاً دچار تشنج های متوالی می شود، شاید شما در این تشنج بگوئید یک حالتی از بین رفت، ولی این به مرور زمان تغییر و تحولی را روی مجموعه فرد ایجاد می کند که انگار قطره آبی که به مرور ولی مداوم ریخته می شود حتی روی سنگ، تأثیری می گذارد دقیقاً این روی واگویه ها همان است که چقدر ما بازخورد درستی نسبت به کودکمان داریم در محیط اطراف خودش در وهله

اول والدین هستند. در قدم بعدی افرادی که با این کودک سر و کار دارند. تمام این‌ها تأثیرگذار خواهد بود روی شکل‌گیری هویت و اگر بخواهیم مثال خوبی برای هویت بزیم، که اگر خوب شکل بگیرد چه قدر محافظ است و اگر خدشه پیدا کند چه قدر باعث فساد خواهد شد، شما یک تخم مرغ را فرض کنید. این تخم مرغ تا زمانی که پوسته آن محکم است و ترکی روی آن ندارد سلامتی این تخم مرغ خیلی بیشتر از تخم مرغی است که فقط یک ترک برداشته. دقیقاً همین‌طور این پوسته آن محتوا را حفظ می‌کند هویت انسان هم شخصیت او را حفظ می‌کند. پس بنابراین شاید اگر بخواهیم معادلی قرار دهیم برای سلامت جسم که پنجاه درصد است که این قدر مهم است در شخصیت انسان، که همان قدر که سلامت جسمی مان برای ادامه زندگی مهم است، سلامت هویت انسان هم به همان اندازه مهم است. اگر این هویت خدشه‌دار بشود شخص به لحاظ جسمی هم سلامت باشد زندگی سالمی نخواهد داشت.

اگر هویت خدشه‌دار بشود این شخص اگر ثروت کاملی هم داشته باشد احساس خوشبختی نمی‌کند. اگر هویت خدشه‌دار بشود اگر فرد اطرافیان خوشبختی هم داشته باشد باز احساس سعادت نمی‌کند. حتی دیگران هم با فردی که به لحاظ هویت دچار فقر هویت است، احساس حقارت دارد، حتی افرادی که در محیط کنار یک چنین شخصی زندگی می‌کنند احساس خوشبختی نمی‌کنند. یک نفر است که احساس حقارت دارد و هویت‌اش هویت سالمی نیست لذا اطرافیانش تا شعاع زیادی از این آدمی که هویت‌اش درست شکل نگرفته در امان نیستند. این هویت خیلی مهم‌تر از آن چیزی است که ما حتی در موردش فکر می‌کنیم. یک مهره کوچکی از این پازل هویت، را ما جدا کردیم داریم در مورد هویت جنسیتی صحبت می‌کنیم که عوامل زیادی روی هویت جنسیتی تأثیرگذار است مثل ارتباط کودک با والدین، روابطش با خواهر و برادرانش، اسمی که برایش انتخاب می‌شود، لباسی که پوشیده می‌شود، رفتارهای متفاوت جامعه با این که او دختر است یا پسر.

کودک عمده همانندسازی جنسیتی خودش را در کودکان هم‌جنس خودش و فرزندان هم‌جنس خودش دریافت می‌کند و این عوامل هویت جنسیتی فرد راحتی در سال‌های نوجوانی، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

شاید من پنج شش سال بیشتر نداشتم، سر چهار راه خیابان ما یک مغازه بزرگی بود. صاحب مغازه پسری داشت تقریباً آن موقع پانزده شانزده ساله بود. به قدری این پسر فرم لباس پوشیدنش، عینک دور مشکی که معمولاً برای دختران بود، یا موهای لخت که از وسط فرق باز می‌کرد و چتری در صورت ریخته می‌شد؛ تقریباً قیافه دخترانه‌ای بود و جنه ظریف دخترانه‌ای هم داشت منتها ما می‌دیدیم زمانی با پدرش سر کار می‌آید. در خانه وقتی این مطرح می‌شد بچه‌های هم‌سن و سالش دست انداخته بودند در محل می‌رفتند می‌گفتند ببخشید خانم این چراغ جلو ماشین قیمت‌اش چند است؟ بعد کاشف به عمل آمد که مادر این پسر آرایشگاه داشته تا سن هفت هشت سال این را همراه خودش می‌برده. قاعدتاً وقتی می‌برده بیکار می‌شده انگشتانش را لاک بزنند موهایش را دخترانه کوتاه کنند لباس آن مدلی ظریف هم که بود، اصلاً این تأثیر گذاشته بود.

بینید وقتی می‌گوییم جامعه هم، یعنی اون طرف توقعات جامعه را هم با خودش تنظیم می‌کند این یک حالتی شکل گرفته بود که بچه‌های هم سن و سال خودش این جور رفته بودند اذیت‌اش می‌کردند که مثلاً حالا یک پسری شده بود پانزده شانزده ساله ولی کاملاً ظاهر و آن مدلی که حرکات و سکناتش دخترانه بود.

بنابراین، قبل از این که شخص در دوره کودکی و نوجوانی معمولاً عمده اطلاعات جنسی خودش را از طریق دوستان هم‌سالش کسب کند قبل این که پدر و مادر و اطرافیان چه مدلی برخورد کردند خیلی اهمیت دارد!؟ نوع لباس پوشیدن‌ها، نوع اسباب‌بازی‌ها، دیگران، برخوردهایشان، خانواده‌ای پسر ندارد یک دخترش را شبیه به پسرها لباس می‌پوشاند، مدل مویش را کوتاه می‌کند، و بالعکس. این کاملاً تأثیرگذار است. اگر در اطرافیان خود دقت کنید قطعاً این مسأله را پیدا می‌کنید یکی دو موردی که یک همچنین شرایطی برایشان پیش آمده و الان در بزرگسالی شما می‌بینید یک خانم پنجاه و خورده‌ای ساله است و خیلی راحت عنوان می‌کند که من عاشق سربازی رفتم هستم! من خیلی دوست داشتم پسر باشم. بعد خودش می‌گوید پدر من زمانی که من نوجوان بودم پسر نداشتم و خیلی دوست داشتم من کمک‌اش کنم. مثلاً دوست داشتم می‌رفتم پدرم ماشین‌اش را تعمیر می‌کرد من هم کمک‌اش می‌کردم، حتی گوشت می‌خرید من خورد می‌کردم، بینید، یعنی یک مقدار توقعاتی که از او داشتند پدرش می‌گفت کاش تو پسر بودی! علاقه‌ای که به پدر دارد، تمایلات پدر تأثیر می‌گذارد روی آن واگویه‌هایی که در درون این فرد است و روی خلقیاتش تأثیرگذار است و روی آن هویت جنسیتی که داره شکل می‌گیرد تأثیرگذار است.

گفتیم ما یک تربیت جنسی داریم و یکی آموزش جنسی. ما اعتقاد به تربیت جنسی داریم منتها آموزش سازمان یافته. یعنی آموزشی که ما قطعاً باید از سنین به دنیا آمدن بچه حواسمان به یک سری نکات باید باشد در واقع داریم تربیت می‌کنیم. در یک سنی حتماً باید یک سری چیزها را آموزش بدهیم، حتماً باید در آموزش‌هایمان دقت کنیم که چه چیزهایی رو باید آموزش بدهیم. یکی از قسمت‌های مهم و سخت تربیت، همین بحث آموزش جنسی است. در واقع پدر و مادر در کنار مباحث و نکاتی که باید به بچه گوشزد کنند و آن را آموزش بدهند، در واقع باید یک مهارت‌هایی را در او ایجاد کنند که به یک نوعی بتواند از خودش مراقبت کند. منتها این نیاز به یک داده‌ای دارد که پدر و مادر باید با این داده‌ها آشنا باشند و این مطالب را بدانند، باید خودشان قبل از اینکه نیاز باشد که دیگران بچه را آموزش بدهند بتوانند این آموزش‌ها را برای بچه داشته باشند. حیطة آموزش را، آیا واقعاً آن رعایت سیلاب‌ها می‌شود که من به صورت هیجانی بخواهم این آموزش را بدهم یا به صورت شرایطی که من باید این‌ها را در نظر بگیرم.

اولیای مدرسه هم به‌طور غیرمستقیم در تکمیل این اطلاعات مؤثرند. تأثیر جامعه و فرهنگ بر هویت جنسی به خصوص همسالان در سن بلوغ. این چیزی است که شاید هر روز و هر ساعت ما باید برای خودمان تکرار کنیم که فوق‌العاده این مسأله مهم است. یعنی اگر پدر و مادر نقش خودشان را در بحث آموزش‌های جنسی درست

عمل نکنند، آن وقت کودک ما ممکن است سراغ همسالان خودش برود و یا ابزارهایی مثل اینترنت، یا چیزهایی از این قبیل در اختیارش قرار بدهند که قطعاً مسائل مفیدی نخواهد بود. اینکه تغییرات بلوغ در دختران زودتر از پسران شروع می‌شود این یک قاعده عمومی است. گفتیم چند سالی است که سن بلوغ پایین آمده. در مورد بلوغ زودرس کمی صحبت کردیم. در واقع متغییرات ظاهری که در این دوران اتفاق می‌افتد این است که پوست هم دخترها و هم پسرها چرب‌تر می‌شود، جوش‌های زیادی می‌زند، ناصاف می‌شود به خاطر تراکم چربی زیر پوست و هورمون تسترون که همین عامل تغییر صدا هم ممکن است بشود، کاپلان می‌گوید: در انسان، رشد نظام جنسی عملاً همزمان با رشد مغزی اتفاق می‌افتد. زودتر یا دیرتر به بلوغ رسیدن را معمولاً وراثتی می‌گویند، ولیکن فقط صرف وراثت نیست، اثرات محیط، اثرات رسانه‌ها، و مباحث عاطفی کاملاً تأثیرگذار است روی زودتر یا دیرتر به بلوغ رسیدن. در اینجا اهمیت موضوع این است که برای بچه‌ها خیلی مهم است و تقریباً چون دائماً دارند خودشان را مقایسه می‌کنند با هم سن و سالان خودشان، لذا این سن، خیلی سن پریاهویی است این که شما می‌شنوید بحث بحران بلوغ یا بحران هویت جنسی، بحران به این می‌گویند که شما یک تراکمی را در یک زمان داری که می‌مانی چطور با آن برخورد کنی. در بحث بلوغ جنسی هم باز همین اتفاق می‌افتد و بچه‌ها معمولاً در این سن، بیشترین کسانی که می‌توانند خودشان را با آنها به عنوان یک تنظیم کننده قوی مقایسه کنند، هم سن و سالانشان هستند.

در واقع این مسأله در پسران بیشتر شایع است چون دائماً خودشان را مقایسه می‌کنند و خیلی خوشحالند از اینکه زود به بلوغ می‌رسند و این را هم به نوعی نشانه خوبی می‌دانند این مسأله مهم است که بلوغ‌شان عقب نیافتد در صورتی که این مسأله در دختران یا خیلی اهمیت ندارد یا برعکس است.

کسانی که بلوغ پیش‌رس دارند ولی اطلاعات خوبی دارند این‌ها قدرت سازگاری‌شان حتی در بزرگسالی بهتر است. آن چیز که خیلی مهم است و در این سن اذیت کننده است آن دردهای ناشی از فرو ریختن دیواره رحم در هنگام آن پریودها یا عادت‌های ماهیانه است برای دختران.

اگر والدین یا مربیانی که اطراف نوجوان هستند بتوانند این اطلاعات مهم را به او بدهند و این مسأله را کاملاً طبیعی جلوه دهند و بگویند که این اتفاق در واقع بخشی از فرآیند بزرگسالی اوست. دائماً به او القاء شود که خدا را شکر، این اتفاق که برایت افتاده نشان دهنده سلامت جسمی توست و این حس را به او القاء کنند که تمام این فرآیندی که طی می‌شود شاید قدرت ناجور بلند شود گردنت زودتر از دست و پایت بلند شود یک حالتی که ممکن است نامتناسب برای تو پیش بیاید، این القائی که اطرافیان می‌توانند داشته باشند که این تغییرات کاملاً طبیعی است و دائماً خدا را شکر کنی که در این مسیر خوب داری رشد می‌کنی. دقیقاً این همان ظرفیتی است که در این زمان باید به دست بیاوری.

همه این‌ها مثل آن مهره‌های پازلی هستند که اگر حواسمان باشد ان شاء الله در این سنی که بچه‌ها ظرفیت خارق‌العاده‌ای

دارند یعنی زمانی که بلوغ جنسی دارد شکل می گیرد ما حتی افزایش رشد مغز را داریم همزمان دارید بچه‌ها دارند به یک بحث تفکر عمیق و عقلانیتی نزدیک می شوند که ما به این نیاز داریم.

که حتی به سن ۱۸ سالگی اشاره شده که ما تا این سن اگر بتوانیم جنبه عقلانی فرزند را قوی کنیم آن عقلانیتش تا طول زندگی اش ادامه خواهد داشت ولی اگر نه، غافل بشویم و کودک ما صرفاً به لحاظ هیجانی رشد کند، ادامه مسیر هم همان حالت خواهد بود و چالش‌های فوق‌العاده‌ای پیش رویش است. بنابراین بحث بلوغ از این جهت فوق‌العاده حائز اهمیت است که بچه‌ها ظرفیت‌های مختلفی را در این زمان تجربه می کنند که از قوه به فعل در آوردن آن تا حد زیادی والدین در آن دخیل هستند. در مورد پیش‌رس و دیررس بودن بلوغ نوجوان پسری که زودتر از هم‌سن و سالان خودش بالغ می شود. در مقایسه احساس مثبت تری نسبت به خودش دارد اما گروهی که بلوغ دیررس دارند احساس شان نسبت به خودشان معمولاً منفی است. هم خودشان را برکنار از گروه‌های هم‌سال تصور می کنند هم نیاز وابستگی آنان به بزرگسالان بیشتر است هم نسبت به والدین خودشان حالت عصبانی شدیدتری دارند. مهم‌ترین چیز برای والدین این است که از تغییرات نوجوان دچار بهت نشوند. زمانی والدین دچار بهت نمی شوند؟ که از قبل اطلاعات کافی و وافی داشته باشیم که هنوز قبل از اینکه بچه من بخواهد به این مرحله برسد من منتظر آن مرحله هستم. یعنی کاملاً این جغرافیای سنی فرزندم را می شناسم، لذا وقتی منتظرش هستم، قطعاً برایش راهکار دارم و وقتی راهکار دارم اضطراب پیدا می کنم وقتی مضطرب نمی شوم، اضطرابم رو به بچه انتقال نمی دهم، لذا یک سن کاملاً بی‌هیاهویی را تجربه می کند ولی به هر حال متناوباً ما تفاوت‌هایی را هم در جسم بچه و هم روان و فکر بچه و هم مغز بچه داریم می بینیم لذا وقتی من مسلط باشم به این تغییرات، دیگر لزومی ندارد مضطرب بشوم مثل یک غذای سختی می ماند که من می دانم می خواهم این آشپزی سخت را داشته باشم، از قبل وقتی برنامه ریزی آن را دارم. درست است، سخت است ولی من مسلطم. این تسلط من بیشتر از این سختی است آخرش فقط می ماند سختی و آن کار موفق که ان شاء الله من انجام می دهم.

از یک طرف دیگر، دخترها چون ارتباط گیری کلامی شان قوی تر از پسرهاست، قاعدتاً اطلاعاتی که یک نوجوان دختر در مورد ویژگی‌هایی بدنی خودش از طریق مادرش به او رسیده، بیشتر از پسران است اما این مطلق نیست چون ما پسرانی هم داریم که ارتباط خوبی با پدران‌شان دارند و اطلاعات خوبی را هم گرفتند.

یکی از مادران: پسران ما ۱۸ ساله هستند و سال دوازدهمی. دچار استرس و التهاب مشغول تست کنکور آینده‌شان هستند که به هیچ عنوان نمی توانیم به این مسأله پردازیم. ما باید چه کار کنیم؟

پاسخ: منظورشان از به این مسائل پردازیم یعنی چه؟ برای پسر ۱۸ ساله ما در واقع باید به این مسائل پرداخته باشیم. به مسائل بلوغ نمی توانند پردازند؟

ادامه یکی از مادران: هم بلوغ و هم ظرفیت‌های عقلانی که فرمودید.



ادامه پاسخ: ببینید، در ظرفیت‌های عقلانی، ما نمی‌خواهد برایش کلاس بگذاریم. همان‌قدر که بچه‌ها را درگیر

مسائلی که نیاز به فکر کردن دارد می‌کنیم این فقط هم مربوط به سن ۱۸ سال نیست، یک پروسه‌ای است که ما باید از قبل شروع می‌کردیم و از طرفی هم دچار استرس نشویم که حالا ۱۸ ساله است مسأله تمام شد. نه! ۱۸ سال یک سن پایه‌ای است که اینجا حتی ما در مورد این مسأله روایت داریم در مورد این مسأله. یک سن پایه است هم قبل از این هم بعد از این. این که ما پدر و مادر و اطرافیان و آموزش‌هایی که بچه‌ها درگیر آن هستند. شما مثلاً درس ریاضی در واقع همان‌طور که اسمش است بچه‌ها دچار ریاضت می‌شوند و سختی می‌کشند. در صورتی که شما در مسائل ریاضی می‌بینید که دائماً داریم راه‌های مختلف را می‌رویم برای رسیدن به یک جواب. به عنوان مثال، مثلاً می‌بینید دو بعلاوه دو می‌شود چهار. از یک طرف می‌بینید هشت منهای چهار هم می‌شود چهار. دو ضربدر دو هم می‌شود چهار. هشت تقسیم بر دو هم می‌شود چهار. در واقع شما در یک مسأله ریاضی با سختی که به مغزتان دارید می‌دهید راه‌های مختلف را برای حل یک مشکل پیدا می‌کنید. لذا، این یعنی درگیری‌هایی که ما داریم ظرفیت ایجاد می‌کنیم که آن تفکر عقلانی را قوی‌تر کند. هرچقدر بچه‌ها در این مسیر بیشتر قرار بگیرند، که مجبور شوند فکر کنند، مجبور شوند برای حل یک مسأله، راه‌های مختلفی پیدا کنند، قطعاً به آن عقلانیتشان کمک خواهد کرد. به لحاظ لغوی، عقل از عقل گرفته شده، یک مفهوم عقل، آن بندی است که ساربان شتر، زمانی که در طوفان شن قرار می‌گیرند در شن‌زار، شتر را می‌نشانند و زانویش را با آن بند پارچه‌ای یا آن طناب محکم می‌بندد که شتر حرکت نکند که بخواد در طوفان شن درگیر شود. بنشینند تا طوفان بخوابد و به این شکل آن شتر را مجبور می‌کنند که بنشیند. به آن بندی که دارد این اتفاق را ایجاد می‌کند می‌گویند عقل. در واقع محاسبات عقلانی ما زمانی اتفاق می‌افتد که هرچقدر ما بیشتر درگیری داشته باشیم، درگیری‌های فکری نه موضوعات مختلف، مغز ما هم یک ماهیچه است. همان‌طور که ما، ماهیچه‌های دیگر بدنمان نیاز به ورزش دارد تا قوی‌تر شود و خون بیشتری در خودش ذخیره کند قطعاً مغز ما هم چون یک ماهیچه است نیاز به ظرفیت‌سازی دارد. یکی از راه‌های این ظرفیت‌سازی همین درس‌هایی است که خوانده می‌شود. شما در فلسفه چه می‌کنید؟ مسائل مختلف عقلانی را طرح و بحث می‌کنید راه‌های مختلف برایش پیدا می‌کنید. یک مسأله است، ولی شما می‌بینید در جنبه‌های مختلف به آن پرداخته می‌شود لذا این ظرفیت ایجاد می‌شود که شما راه‌های مختلف به لحاظ عقلانی می‌توانید پیدا کنید.

لذا شما فعلاً کاری به این بچه ۱۸ ساله‌ای که هنوز خودش در تلاطم کنکور و تست هست، نداشته باشید؛ چون کاری که دارد با تست‌ها و میزان تحصیل می‌کند، به این ظرفیت نزدیک‌اش می‌کند. چون یکی از چیزهایی که ما باید برای خودمان ایجاد کنیم این است که دایره لغات باید در ذهن ما بالا برود. حالا این دایره لغت یک راهش این است که با مطالعه بیشتر، با هم صحبتی بیشتر، با گرفتن تجارب دیگران باعث می‌شود دایره لغت در ذهن ما بالا برود. وقتی چنین شد، نتیجه‌اش این می‌شود که قدرت تحلیل من بالا می‌رود. یعنی چه؟ یعنی شما ده



خاطره را راجع به یک موضوع خواندید، مثلاً یک تعارض جنسی بوده شما ۱۵ خاطره خواندید، از یک اتفاق. تجربه‌های متفاوت دیگران را در یک کتاب خواندید، الان اگر با این مسأله مواجه شوید پنبلی که در ذهن شما باز می‌شود تقریباً ۱۷ یا ۱۸ تا مثل آن هست که شما در واقع تجربه ۱۸ رفتار را در ذهن‌تان دارید. لذا الان می‌توانید نتیجه بگیرید که این مسأله‌ای که اتفاق افتاده شبیه به کدام یک از آنهاست. این یعنی آن قدرت عقلی و قدرت تجزیه و تحلیل مفاهیم واقعی یا مفاهیم انتزاعی ذهن شما بالا می‌رود. در واقع نگران نباشید بچه ۱۸ ساله ما تا یک حدی این اتفاق برایش افتاده. وقتی می‌گویند بچه در ۷ سال سوم وزیر است، بحث وزیر از سنگینی می‌آید. یعنی در واقع وزیر همیشه در کنار پادشاه است. سختی مشکلات کار روی دوش وزیر است. ما بیشتر از فکرش استفاده می‌کنیم. دائماً از پیشنهادهایش استفاده می‌کنیم. او می‌رود مسائل را بررسی می‌کند می‌آید برای ما می‌گوید. ما فقط فرماندهی می‌کنیم. ما باید به بچه‌ای که وارد این سن می‌شود تا حد زیادی به او میدان بدهیم. پدر و مادری که خودش سعی می‌کند همه مسائل را رتق و فتق کند، در واقع دارد این ظرفیت را در این سن از بچه می‌گیرد.

در بحث ارتباط کلامی، دختران در این بُعد از پسران خیلی قوی‌ترند. شاید بگویید نه، ما پسری هم دیدیم که خیلی سر و زبان‌دار است. گفتیم ما در مورد انسان داریم صحبت می‌کنیم و به هیچ عنوان این‌ها مطلق نیست. ولی من حیث المجموع داریم می‌گوییم. چیزی که حداقل اتفاق می‌افتد قدرت کلامی دختران خیلی بیشتر از پسران است. لذا دایره لغت ذهنی‌شان بیشتر است، قدرت تحلیل مسائل‌شان بیشتر است، لذا قدرت حل مسئله‌شان هم چه بسا خیلی زمان‌ها بیشتر است. حالا به شوخی یا جدی می‌گفتند کودک را اگر در رحم مادر سونوگرافی کنید فکش دارد می‌جنبد و صحبت می‌کند.

یک سری چیزها اخلاقیات مطلق‌اند، مثلاً دروغ را شما در هر جامعه‌ای بروید دروغ بد است. در هر جامعه‌ای بروید محبت طرفدار دارد. در هر جامعه‌ای بروی مثلاً تکانه‌های عصبی که منجر به اختلافات عصبی می‌شود، افراد در مقابل‌اش موضع می‌گیرند. در بعضی از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، ارزش محسوب می‌شود در صورتی که همان چیز را اگر شما در جامعه دیگر ببرید، می‌بینید ضد ارزش است. در جوامع امروز غربی، بحث بکارت داشتن دختران یعنی شاید تجربه جنسی نداشتن دختران، احساس می‌شود که شاید این‌ها دچار یک مشکلی هستند در بین همسالان خودشان.

یک کتابی را معرفی می‌کنم خیلی کتاب جالبی است برای همان مجموعه نقد فمینیست «فمینیست در ترازوی نقد» که دختران به عفاف روی می‌آورند، داستان دختری را ذکر می‌کند که مال پدر و مادری هست که مال امواج زمان‌های با اعتقادات فمینیستی هستند و این دختر می‌گوید که من در محیط اطراف خودم، دوست دارم عقیف باشم، دوست ندارم با هیچ پسری دم‌خور باشم، دوست ندارم ارتباط جنسی با هیچ پسری را داشته باشم و نداشتم تا به حال به خاطر همین مسأله از گروه همسالانم همیشه طردم. به من می‌گویند تو حتماً یک مشکلی داری که تا



به حال ارتباط جنسی تجربه نکردی.

حالا خوشبختانه این مسأله مثلاً در جامعه ما با فرهنگ اسلامی - ایرانی ما یک ارزش محسوب می شود اگر دختری مثلاً چنین تجربه ای را نداشته باشد. یا بالعکس آن ممکن است ضد ارزش باشد. بحث اخلاق جنسی یک سری مباحث بنیادین و میانی دارد که شما در هر جامعه ای بروی به عنوان مبنا و اصل است و تابع فرهنگ و محیط نیست. ولی یک سری از مباحث و زوایای آن تابع فرهنگ های مختلف می شود.

من ترم پیش یک مراجعی از دانشجویانم داشتم که برایم جالب بود چون ترم پیش هم ما در فضای مجازی تدریس داشتیم چون دو سه جلسه بیشتر حضوری نبود با اینکه خیلی شناختی هم من روی این دختر نداشتم، ولی خوب خیلی راحت مسأله اش را عنوان کرده بود که من با پسری می خواهم ازدواج کنم که دوست خانوادگی مان است ما چندین سال است با هم دوستیم ولی یک مسأله ای من دارم می ترسم در آینده برای من مشکل باشد و آن این است که ترس از روابط خاص جنسی دارم. به خاطر همین تا به این مسأله نزدیک می شوم یک ترسی برای من اتفاق می افتد که مانع می شود. این آیا در واقعیت برایت اتفاق می افتد؟ گفت: من دارم خودم را وادار می کنم که این تجربه را داشته باشم، نه، در عالم واقع. من مسأله را گرفتم که او با این پسری که دوست است و خانواده هم باخبرند، می خواهد در آینده ازدواج کند حتی در مسائل خاص هم پیش رفته اند، منتها اونجا دچار یک چنین مشکلی شده الان دنبال راه حل است.

یکی از مهم ترین عوارض که در این سن است، مسأله دست ورزی های آلتی و در عیار بالاتر، بحث خودارضایی و استمناء است.

ما برای اینکه اخلاق و تربیت جنسی در این دوره درست اتفاق بیافتد، گفتیم ناگزیریم یک گفتگوی خوبی با آن فرزند یا دانش آموز در مسائل جنسی داشته باشیم. منتها این مسأله پیشینه اش این است که یک مادر یا مربی که از این مسائل برای فرزند صحبت می کند اول باید خودش آگاهی کامل در این زمینه داشته باشد، چون به لحاظ روانی برخوردی که ما داریم متفاوت خواهد بود. آن برخورد فردی که در این صحنه مواجه می شود فوق العاده تأثیر گذار است که این اتفاقی به یک ناهنجاری ختم شود یا اینکه روبه و برخورد درست آن را از این مسأله مستثنی کند.

در پاسخ یکی از مادران: زمانی که انسان به دنیا می آید یک حرکت و رشد آرام دارد و منظم. یعنی حرکت، حرکت جهش داری نیست. برعکس بعد هیجانی ما، که شما مثلاً در سن بلوغ می بینید که این رفتارهای هیجانی چقدر حالت سینوسی دارند یعنی یک حرکت در اوج دارد و در فرود. یک وقت شما می بینید بچه در اوج عواطف و احساسات اش هست، همین که شما می بینید بچه ها در سن بلوغ، مادر و پدر را محکم در بغل می گیرند. این دقیقاً برای قلیان عواطف و احساسات و هیجانات است. در صورتی که شما رشد عقل را از همان ابتدای به دنیا آمدن بچه می بینید حرکتی با سیلاب خاص روبه رشد است. به خاطر همین شما در ۴۰ سالگی که

می گویند اوج عقلانیت است در انسان، که حتی در روایت داریم محاسبات مواجهه با گناه افراد از ۴۰ سالگی به بعد، با ۴۰ سال به قبل متفاوت است. از این جهت که فردی که ۴۰ ساله است تقریباً میانه عمرش است، ۴۰ سال رشد کرده و بالا آمده، در واقع یک ظرفیت عقلانی ۴۰ ساله دارد. دقیقاً از این آدم حرکت غیرعقلانی شاید خیلی پذیرفته نباشد. دقیقاً ما نه بچه ۹ ساله، حتی از همان ابتدایی که بچه‌ها به دنیا می آیند، نوع تعامل پدر و مادر، اینکه ما اصلاً الان دیگر تبدیل به یک مجموعه اطلاعات شده بحث فلسفه برای کودک دقیقاً چالش‌هایی را دارد مطرح می کند، تمرین‌هایی را دارد مطرح می کند، روش‌هایی را دارد مطرح می کند که ما این ظرفیت بخشی به بچه‌ها را داشته باشیم برای رشد عقلانی آن‌ها چه کارهایی را انجام دهیم. چه تعاملاتی را داشته باشیم.

یکی از مادران: چطور می توانیم کمکش کنیم؟

پاسخ: بچه‌ها را به بحث بگذارید. خوب با آن‌ها صحبت کنید. جدی با آن‌ها صحبت کنید. نظرات‌شان را بگیرید با آن‌ها مشورت کنید و به مشورت‌هایشان عمل کنید نمی‌خواهم بگویم بگذارید آن‌ها تصمیم بگیرند، نه؛ در تصمیم‌سازی از آن‌ها استفاده کنید. شاید در کارهای کلان مدیریتی تصمیم را باید پدر بگیرد منتها این تصمیم‌سازی می‌تواند از اهل خانواده باشد، بچه‌ها در این زمینه بازی داده شوند. پدر و مادر برنامه‌شان را بسته‌اند منتها می‌آیند به چالش می‌کشاند که بچه‌ها نظر بدهند. اتفاقاً همانجایی است که بچه‌ها دارند می‌گویند. بگویند باشد، این دفعه جایی می‌رویم که تو می‌گویی، چجوری برویم؟ از روش او استفاده کنیم. پنج تا شیوه یا روش را ممکن است مطرح کند. دو تا از روش‌هایش را استفاده کنید. بچه‌ها وقتی ببینند که در دنیای آدم بزرگ‌ها به صورت جدی مطرح‌اند، این مسأله خیلی به آن‌ها کمک می‌کند که خودشان را حفظ کنند و یک کاراگر کاملاً جدی و قابل اعتمادی را از خودشان بروز می‌دهند. تا زمانی که خیلی به حساب نیایند و به همان نسبت هم برای خودشان حسابی باز نمی‌کنند.

یکی از مادران: یک پسر ۱۰ ساله دارم حساس است. فوق‌العاده مهربان است، احساسی است ولی با او شوخی می‌کنیم یا حرفی پیش می‌آید سریع بغض می‌کند و گریه می‌کند و ناراحت می‌شود خیلی اذیت‌مان می‌کند واقعاً نمی‌دانیم باید چکار کنیم؟

پاسخ: اینکه پسر ۱۰ ساله ما خیلی حساس است یک مقدار بحث زود رنجی‌اش است ما باید از نزدیک با هم صحبت کنیم که ببینیم پیشینه او به چه شکلی بوده است. آیا از ابتدا این قدر حساس بوده آیا به حساسیت‌هایش شما زیادی توجه داشتید یا اصلاً ندیده گرفتید؟ بحث اینکه مهربان است بد نیست ولی اینکه دائماً بخواهد از هیجانات‌اش استفاده کند، ما باید در بحث عقلانیت‌اش برویم یک جاهایی با اقتدار و جدی با او صحبت کنیم. جدی و با اقتدار بودن، با عصبانیت فرق می‌کند. اینکه یک جاهایی زیر گریه می‌زند و ما بلافاصله آیا اینجا تسلیم می‌شویم یا نه؟ حالا دارد گریه می‌کند گریه کند اشکالی ندارد من از کنارش رد می‌شوم. یا می‌گویم باشد داری هیجاناتت را بروز می‌دهی لزومی ندارد تسلیم احساسات تو بشوم. یا مثلاً یک جاهایی می‌خواهد با

گریه کردن به یک درخواست‌هایی برسد. اینجا هست که قطعاً پدر و مادر هستند که اینجا باید خیلی مقتدر و صریح عمل کنند و نگران اذیت شدنش نباشند.

این یک مقدار نیاز به مشاوره دارد که من حداقل یک مقدار جوانب امر را با یک سری سؤالات باید داشته باشم تا بینم این پیشنهادش به چه شکل بوده.

یکی از مادران: این قدر مهربان است که می‌خواهد اول همه چیز برای برادر بزرگش مهیا بشود.

پاسخ: این بستگی دارد تا یک حدی زیادی هم ژنتیک است. یعنی شما قطعاً در پدر یا مادر یا هر دو، این حالت یا ویژگی وجود دارد تا یک حد زیادی‌اش را به هر حال مشکلی ندارد، طبیعی است. ولی اگر بیشتر از این باشد یعنی در مسیری که دارد وارد مسیر جدید زندگی‌اش می‌شود و بیشتر دارد با جامعه رفت و آمد می‌کند از ۱۰ سال به بعد، اگر بخواهد خیلی منعطف برخورد کند، آن وقت خدای ناکرده یک مجرای می‌شود برای سوء استفاده‌های دیگر.

یکی از بخش‌های انحرافات جنسی برمی‌گردد به بازی با لباس‌های جنسی و مهیج که دقیقاً زمینه همان فعالیت‌های جنسی نامربوط هست.

یکی از مادران: آیا طرز لباس پوشیدن مادران برای پسر ۱۰ ساله تأثیر دارد؟

پاسخ: بله. پوشش لباسی که مادر از دید پسر دارد، قطعاً تأثیرگذار است. از یک سنی به بعد واقعاً همان لباسی که ما پیش برادرمان می‌پوشیم یا پیش عمویمان می‌پوشیم که قطعاً لباس خیلی جذب و کوتاهی نیست، دقیقاً همان لباس را ما باید برای پسر ۱۰ ساله‌مان بپوشیم. بوسیدن بچه‌ها توسط والدین مشکلی ندارد اما طرز بوسیدن مهم است. از یک سنی به بعد ما اجازه نداریم حتی لب بچه را ببوسیم - حالا روایت داریم که کودک را فقط و فقط مادر یا پدر این اجازه را دارند، ولی نوع بوسیدن فرق می‌کند، نوع بغل گرفتن فرق می‌کند، که از این سن به بعد، تقریباً ما باید حواسمان باید یک مقدار به نوع رفتارمان در بروز عواطف و احساساتمان نسبت به بچه‌ها باشد. حالا یک وقت می‌خواهم بچه را ببوسم، محکم سرش را می‌بوسم، یا پیشانی‌اش را می‌بوسم. خیلی لزومی ندارد آن نوع خاص بوسیدن. دقت مهارت در این زمان مهم است. حتی در ۵ یا ۶ سالگی به بعد، توصیه داریم که فرزند دختر را نامحرم نبوسد، فرزند پسر را نامحرم نبوسد، و این‌ها فوق‌العاده در دراز مدت مؤثر خواهد بود در تربیت و نگاه ما در تربیت جنسی. همینطور در بحث حیا، بچه‌ها، بحث حیا مثل یک ظرفیت می‌ماند. مثل یک بسته ظرفیتی می‌ماند که خداوند عالمیان این را برای همه قرار داده. ما روایت داریم که خداوند عالمیان حیا را ۱۰ قسم کرد. ۹ قسم را به زن و یک قسم را به مرد داد. در این ۹ قسم حیا، در روایت مطرح می‌شود که یک قسمش به واسطه عادت ماهیانه، یک قسم به واسطه عقد ازدواج.

یک مرتبه‌اش به واسطه خود ازدواج، یک مرتبه‌اش به واسطه فرزندآوری، و شیردهی زائل می‌شود یعنی تکویناً زائل می‌شود. دست من انسان نیست. در انتها، ۵ جزء این حیا می‌ماند. در نگهداری این ۵ جزء بکوشید. خیلی



روایت دقیقی است. اولاً ۹ جزء قرار داد برای زن، این مثل یک حساب پس انداز می ماند. مثل یک ظرفیت می ماند برای زن. چرا برای مرد ۹ جزء قرار نداد؟ چرا آن تفاوت تکوینی و نیازی که زن به این مسأله دارد به مراتب بیشتر است. در این قسمت دارد می گوید هر یک اتفاق یک بخشش را ذایل می کند. در واقع این اتفاق دارد می افتد. اگر این ذایل شدن اتفاق نمی افتاد هیچ ازدواجی صورت نمی گرفت. بنابراین، این ۵ جزئی که می ماند را من باید حفظ کنم. حالا چطور حفظ کنم؟ شرایط محرم با محرم، مثل مادر با پسر، مادر با دختر، پدر با دختر، این شرایط هم حتی اگر رعایت نشود، حیا را از بین می برد. نوع مکالمات ما، نوع بوسیدن ما، نوع بغل کردن یا تعاملات یا، روی آن مقدار حیا تأثیر گذار است. ما بچه نوزاد را توصیه داریم که مادر می تواند جایش را عوض کند ولی حق ندارید جلوی چشم دیگران عوض کنید. خود بچه اینجا مقصر است ولی حیا مؤثر است. این خیلی مهندسی شده است. چون اگر این ۴ جزو حیا هم از بین نمی رفت هیچ ازدواجی اتفاق نمی افتاد. دقیقاً اینجا می گوید می ماند ۵ جزء.

خیلی وقت ها رفتارهای ما خیلی صحبت های ما، دیدن فیلم، اختلاط با نامحرم، خود این ها که به عنوان یک ظرفیت برای ماست خرده خرده این حیا را از بین می برد. در واقع خود آن حیا، یک ظرفیت محافظتی است برای انسان که ما سفارش شدیم به حفظ این حیا. که ارتباط کاملاً مستقیم دارد با تعقل و عقلانیت ما. در روایت داریم کسی که حیا ندارد عقل هم ندارد. اگر حیا کنار برود و بعد هیجانی و عاطفی فعال شود به همان میزان فساد زیاد خواهد شد. این ارتباط کاملاً دو سویه است اگر پسران ۱۰ ساله است قاعدتاً خودش این توانایی را دارد که خودش پوشش را پوشید. بنابراین نه لزومی دارد مادر این کار را بکند و نه پدر. اگر با سونوگرافی و پی گیری های پزشکی که انجام دادید خوب نشده، قطعاً بچه هایی که در این سن شب ادراری دارند به خاطر کوچکی مثانه است. که ان شاء الله با سن بلوغ که اعضا رشد پیدا می کند و میزان و حجم اش بزرگ می شود، این مسأله در پایان ده سال یک دفعه قطع می شود. پاسخ به یکی از مادران در خصوص شب ادراری فرزند ۱۰ ساله شان.

یکی از مادران: فرزند ۱۵ ساله ای دارم که عادت به انگشت مکیدن دارد.

پاسخ: انگشت مکیدن، ناخن جویدن، یک تعارضات درونی است که در بچه ها وجود دارد. شما بروز بیرونی آن را می بینید. یعنی آن مکیدن انگشت یا جویدن ناخن او را به یک آرامشی می رساند. یعنی یک غوغایی در درون هست که این به دنبال پیدا کردن راهی برای بیرون رفت از آن غوغا، دارد این واکنش را نشان می دهد. شما آن را باید پیدا کنید که به لحاظ درونی مشکل اش چیست؟ این قطعاً باید یک روان کاوی بشود و ممکن است تبدیل به یک عادت مذمن شده. باید علت برطرف شود. والا ناخنش را می گیرید گوشه لباسش را می جود یا سر خود کار و مدادش را می جود. یک مشاوره روانکاوی بشود انشاء الله برطرف می شود.

یکی از مادران: پسر ۱۳ ساله است، اطلاعاتی در زمینه جنسی ندارد، در تماس هم نیست که بگویم دوستش به او



اطلاعات می دهد گوش شخصی دارد، من باید بگذارم به همین روش ادامه بدهد؟

پاسخ: خیر. در بحث تربیت جنسی، آموزش جنسی داریم یک بخشی که شما یک میزانی از آن تحولاتی که در درونش دارد اتفاق می افتد یا در جسم او یا در نیازهای او دارد اتفاق می افتد، قطعاً مادر با دختر و پدر با پسر باید این اطلاعات را به او بدهند. شاید بگوییم پدر یک حیایی دارد و این کار را انجام نمی دهد. نه، قطعاً باید یک فردی جایگزین این پدر باشد که راجع به این مسائل با این بچه صحبت کند. فردی هم باید باشد که شرایط را در نظر بگیرد و هیجانی صحبت نکند، بیشتر در دل بچه رعب ایجاد نکند. به مرور مسائل را با او مطرح کند. به مرور زمان و آهسته آهسته باید این مسائل آموزش داده شود.

بچه ۱۳ ساله در سنی هست که باید آرام آرام مسائلی از قبیل اینکه «داری به سن مرد شدن می رسی» این اطلاعات را اول باید خودتان پیدا کنید بعد با طمأنینه پدر به او انتقال دهد. اگر به شما گفت با یک هیجانی روبرو شد و شما او را مسخره کردید و جدی نگرفتید، قطعاً بدانید گوش هایی هستند که منتظر شنیدن اینها هستند که اصلاً صلاح نیست. مثل دوستانشان یا سایت هایی که در فضای مجازی هست که هیچ صلاحیتی برای این کار ندارند.

سعی کنید وقتی در مورد مسائل جنسی با فرزندتان صحبت می کنید تنها باشد و در جمع مسأله را مطرح نکنید که روی حیای آنها قطعاً تأثیر گذار است.

یکی از مادران: خانم دکتر، لباس پوشیدن جلوی پسر بچه ها را فرمودید که باید مانند لباس پوشیدن جلوی نزدیکانتان باشد، این هایی که می گویند لباسی باشد که پسر بچه ببیند و عادت کند (مثل پوشیدن تاب) این حرف درست است؟

پاسخ: اینکه ببیند عادت کند، یک خانواده هایی هستند که از بچگی این مدلی پوشیده اند، قطعاً این اتفاقات افتاده که حالا شاید آن حساسیتی که بچه من در این برخورد دارد، آن بچه دیگر نداشته باشد. اما اینکه این حالت رو ما دائماً داشته باشیم مثلاً یک تاپی که دو بند دارد در مقابل یک پسر بچه ای که در سن بلوغ قرار دارد پوشش بگویم هیچ تأثیری نمی گذارد، قطعاً من باید در سلامت آن بچه شک کنم. و گرنه اصلاً امکان نداره تأثیر نگذارد. شاید آن حساسیتی که برای بچه ای که تا به حال ندیده، آن یکی نداشته باشد. یک مقداری مسأله برایش عادی باشد ولی این نه به این معناست که ما فضا را به این شکل ایجاد کنیم که عادی شود!

ادامه سؤال مادر: بله، متوجه شدم. یک مورد دیگر اینکه دختر بچه سه و نیم چهار ساله را مادر که به حمام می رود مشکل دارد با خودش ببرد (دختر تا چند سالگی می تواند با مادر به حمام برود؟)

پاسخ: ببینید مشکل ندارد تا حد اینکه بچه ها لباس زیرشان را باید بدانند به هیچ عنوان جز در موارد ضروری در نیاورند. این به این معنی نیست که من بچه ۳ ساله ام را به حمام ببرم بدون لباس زیر. این برای خودش راحت باشد. این لباس تن او باشد اشکالی ندارد ولی در این حد را حتماً رعایت کنید.

ادامه سؤال مادر: در مورد قضیه پرپود و مواجهه نوجوان من که ۱۳ ساله است موقعی که کنجکاو می شود در

مورد نماز من، یا اینکه مراعات می کنم که متوجه نشوند، ولی نیاز هست که بدانند؟

پاسخ: بله، قطعاً به آن‌ها بگویید. ولی خیلی گذرا به این مضمون که خانم‌ها بدن‌شان یک تفاوت‌هایی با آقایان دارد که در مدتی از ماه این‌ها بیمارند و خود خداوند دستور داده که در این زمان شما لزومی ندارد نماز بخوانید یا اگر ماه رمضان است، نیازی ندارد روزه بگیرید. تمام. در همین حد، که لازم نباشد برای فهمیدن مسأله به هم‌سن و سالانش رجوع کند.

ادامه سؤال: در این ایام بود، چند وقت پیش، پسر من وقتی رفتم سرویس بهداشتی اوادم، بعد از من پسر رفت دستمال برداشته بود استفاده کرده بود داخل سطل بیاندازد، توی سطل را دیده بود بیرون آمد به من گفت: مامان خوبی! گفتم بله، دیدم یک دفعه مرا بغل کرد شروع کرد گریه کردن، گفتم چیه؟ گفت: هیچی، یک چیز خیلی بدی دیدم. هیچ مشکلی نداری؟ گفتم: نه، رویش نمی‌شد بگوید ولی من می‌دانستم گوشه ذهنش مانده.

پاسخ: ایرادی ندارد. یک جوری از ذهنش پاک کنید. ولی خواهشاً در این زمان هم خیلی دقت کنید که (حتی در بین راه هم حتی جایی می‌روید) حتی الامکان در روزنامه‌ای کاغذی پوشیده باشد. حتی این در فضای روحی انسان تأثیر می‌گذارد. هر چقدر هم پیرسد لزومی ندارد، شما بروید به جنبه‌های زیست‌شناسی، که داخل بدن این‌طوری است اتفاقات این شکلی می‌افتد، شما به بحث قدرت خدا بروید، خیلی هیجان‌انگیز تعریف کنید قدرت خدا را در خلقت انسان که داخل شکم ما در یک عضوی قرار دارد که به این اسم و این مدلی است بچه در آن قرار گرفته، بچه بزرگ می‌شود، به دنیا می‌آید، و حتی می‌توانید ذهن‌شان را ببرید روی بحث زایمان اینکه مثلاً تخم گذاشتن حیوانات را ببینند و از این طریق ذهن‌شان را منحرف کنید. ولی در حد کف ماجرا توضیح را بدهید و نگران نباشید و مطمئن باشید که از شما واردتر هستند که چه اتفاقاتی می‌افتد!

معرفی کتاب: «کتاب مهارت‌های تربیت جنسی فرزندان» - «مراحل تربیت» - «حرف‌های یواشکی»
کتاب حرف‌های یواشکی از دکتر مهکام است، کتاب جالبی است رویکرد اسلامی و تخصصی علمی، سعی کرده مسائل را خیلی گویا و راحت عنوان کند.

انتشارات مهرستان: ۰۹۳۷۰۰۱۲۹۰۰ - ۰۳۱-۳۲۳۶۸۷۵۵

پایان مبحث سرکار خانم ریحانی

جلسه ششم